اخبار

۲۴فیلم بخش سودای سیمرغ جشنواره فجر اعلام‌شد

اسامی فیلم‌های سینمایی حاضر در بخش سودای سیمرغ سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر از سوی هیات انتخاب این رویداد سینمایی اعلام شد. به گزارش مهر، اسامی فیلم‌های منتخب بخش سودای سیمرغ جشنواره به درخواست اعضای هیات انتخاب توسط حسین معززی‌نیا، منتقد و نویسنده سینمایی به ترتیب حروف الفبا بدین شرح اعلام شد:

۱-ارغوان (کیوان علیمحمدی/امید بنکدار)
۲-اعترافات ذهن خطرناک من (هومن سیدی)
۳-ایران برگر (مسعود جعفری‌جوزانی)
۴-بوفالو (کاوه سجادی‌حسینی)
۵-بهمن (مرتضی فرشباف)
۶- تگرگ و آفتاب (رضا کریمی)
۷- تا آمدن احمد (صادق صادق‌دقیقی)
۸-حکایت عاشقی (احمد رمضان‌زاده)
۹-خانه دختر (شهرام شاه‌حسینی)
۱۰-خداحافظی طولانی (فرزاد موتمن)
۱۱-دوران عاشقی (علیرضا رئیسیان)
۱۲-رخ دیوانه (ابوالحسن داوودی)
۱۳-روباه (بهروز افخمی)
۱۴-شرفناز(حسن نجفی)
۱۵-شکاف (کیارش اسدی‌زاده)
۱۶-شیفت شب (نیکی کریمی)
۱۷-طعم شیرین خیال (کمال تبریزی)
۱۸-عصر یخبندان (مصطفی کیایی)
۱۹-مرگ ماهی (روح‌الله حجازی)
۲۰-مزار شریف (عبدالحسن برزیده)
۲۱-مشرف به کوچه بی‌نام (هاتف علیمردانی)
۲۲-من دیه‌گو مارادونا هستم (بهرام توکلی)

همچنین هیات انتخاب، حضور ۲ فیلم زیر به عنوان برگزیدگان بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی کودک اصفهان در این بخش را اعلام می‌دارد:

۲۳-قول (محمدعلی طالبی / بهترین فیلم جشنواره کودک)
۲۴-فرار از قلعه‌رودخان (غلامرضا رمضانی/ بهترین کارگردانی جشنواره کودک)

بنا بر این گزارش اعضای هیات انتخاب این رویداد سینمایی در جمع خود میزبان حسین معززی‌نیا، منتقد و نویسنده سینمایی بودند.

این منتقد سینمایی پیش‌تر قرار بود در بخش انتخاب سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر با این دوره همکاری کند که به دلیل بیماری، جشنواره از حضور وی محروم شد. معززی‌نیا با دعوت دبیرخانه در جلسه اعلام اسامی نهایی بخش سودای سیمرغ حاضر شد.

■■■

«آزادی مشروط» جایگزین «حکایت عاشقی» شد

فیلم «آزادی مشروط» به کارگردانی حسین مهکام جایگزین «حکایت عاشقی» به کارگردانی احمدرضا رمضان‌زاده در بخش «نگاه نو» شد. به گزارش مهر، هیات انتخاب این رویداد پس از بررسی و ارائه گزارش دبیرخانه درباره فیلم حکایت عاشقی ساخته احمدرضا رمضان‌زاده به این نتیجه رسید که فیلم یاد شده دومین ساخته بلند این کارگردان سینما است. در فهرست اعلام‌شده بخش «نگاه نو»، فیلم «حکایت عاشقی» به عنوان فیلم اول عنوان شده که پس از بررسی و ارائه گزارش دبیرخانه جشنواره، مشخص شد که سازنده این فیلم با فیلم دیگری به نام «بشیر» به عنوان کارگردان اول در جشنواره فیلم فجر سال ۱۳۷۳ شرکت کرده است. به همین دلیل این فیلم از بخش «نگاه نو» حذف و فیلم «آزادی مشروط» که واجد بیشترین امتیاز در میان فیلم‌های بیرون مانده از فهرست بود، جایگزین آن شده است. فیلم «حکایت عاشقی» در بخش سودای سیمرغ مورد ارزیابی قرار گرفت که به فهرست نهایی نیز راه پیدا کرده است. «بشیر» ساخته بلند سینمایی احمدرضا رمضان‌زاده در جشنواره سیزدهم فیلم فجر به عنوان نخستین اثر این فیلمساز به نمایش درآمده بود. این اثر سینمایی یک فیلم ۱۶ میلیمتری بود که در جشنواره سیزدهم فجر در بخش مسابقه فیلم‌های اول و دوم حضور داشت و یک بار شانس خود را امتحان کرد.

خبرنگار فرهنگی «وطن امروز» باشید

هموطن گرامی! نقدها و یادداشت‌های خود را در حوزه فرهنگ و هنر، اعم از نقد سینمایی، نقد کتاب و گزارش فرهنگی از سراسر ایران برای روزنامه ارسال کنید. ضمن انتشار مطالب شما به نام خودتان در روزنامه، هر ماه به بهترین مطلب ارسالی هدیه‌ای از طرف «وطن امروز» تعلق خواهد گرفت.

Farhangi@vatanemrooz.ir

آغاز پنجمین جشنواره فیلم عمار

مراسم افتتاحیه پنجمین جشنواره فیلم عمار چهارشنبه‌شب دهم دی‌ماه با حضور خانواده‌های شهدا و چهره‌های فرهنگی، هنری و انقلابی در سینما فلسطین برگزار شد. به گزارش مهر پس از سخنرانی نادر طالب‌زاده، دبیر جشنواره از برندگان بخش‌های جنبی تقدیر شد.

■ **برندگان بخش پوستر**

هیات داوران در بخش پوستر ضمن تقدیر از طراح پوستر فیلم‌های گاو خشمگین، روسری‌های رنگین و نورالدین پسر ایران، فانوس جشنواره را به مهدی بادیه‌پیما برای طراحی پوستر فیلم‌های آن مرد خواب بود و چریکه بی‌دنگ و پویا رئیسی برای پوستر فیلم باباخون داد اهدا کرد.

■ **برترین‌های فیلمنامه**

هیات داوران در بخش فیلمنامه، لوح تقدیر بخش فیلمنامه بلند را به سروش بهاری برای اثر تجارت خانه شهر اهدا کرد همچنین فانوس جشنواره را به امیرعباس ربیعی برای فیلمنامه امشب برای همه بهتر از هزار شب است تقدیم کرد.

■ **بهترین‌نماهنگ‌ها**

تقدیر از برگزیدگان بخش نماهنگ پنجمین جشنواره فیلم عمار در حضور احمدعلی راغب و محسن صفایی‌فر انجام شد. فانوس جشنواره بخش نگاه ویژه به ۳ نماهنگ پیر فرزانه اثر ابوالفضل حاجیان با موضوع اقتصاد مقاومتی، نماهنگ جرم پرواز اثر پویا بابایی با موضوع ترور هواپیمای ایرباس و شهدای مظلوم آن و نماهنگ حماسه نادر اثر عبدالحسن رفیعی‌نژاد با موضوع تنها جنگ دریایی و رویارویی با ناو متجاوز آمریکا در خلیج‌فارس اهدا شد. هیأت داوران با بررسی ۴۳ اثر بخش مسابقه نماهنگ، ضمن تقدیر از آثار نجات، خیلی دور اما نزدیک، هم‌آواز طوفان، نفرین به جنگ، جنگ رسانه‌ای داعش، تسلیم هرگز، بغض ۸ ساله، مادران گمنام و مجموعه تیزرهای کالای کشتار، این آثار را شایسته دریافت فانوس جشنواره معرفی کرد: سکینه جمشیدی، معروف به «ننه سکینه» زنی که برای رزمندگان دفاع مقدس نان می‌پخت تا مدیون شهدا نباشد، برای تقدیر از مسعود شجاعی‌طباطبایی روی سن آمد. سکینه جمشیدی در سخنانی گفت: اگر امام حسین آن موقع که شهیدش کردند ۷۰ نفر یار داشت اما الان که به هر گوشه نگاه می‌کنی ۷۰ میلیون پشت رهبر ایستاده‌اند. همه ما باید بدانیم و آمریکا هم باید بداند که اگر پایش را از خط قرمز ما فراتر بگذارد همه ما کوچک و بزرگ و زن و مرد مقابل او می‌ایستیم. وی افزود: من ۵ فرزند داشتم که همه را راهی جنگ کردم. همانطور که حضرت زینب در سوگ فرزندان شهیدش ناراحتی کشید، من هم از جانبازی فرزندم ناراحتی کشیدم ولی برای اینکه به اسلام خدمت کرده‌ام افتخار می‌کنم. سپس پدر و مادر مسعود شجاعی‌طباطبایی، کاریکاتوریست مطرح کشورمان روی سن حاضر شدند تا با حضور وی از فرزندشان تجلیل شود. تقدیرنامه مسعود شجاعی‌طباطبایی توسط علی صدری‌نیا قرائت شد.

■ **برندگان نقد و مقاله سینمایی**

طبق نظر هیات داوران، در بخش نقد سینمایی آرین طاهری برای اثر «ساختار روایی در سینمای مقاومت: زبان، زیباشناسی و بلاغت»، علی عبدی برای اثر «پذیرایی ساده؛ روایت انفجار خشم روشنفکر ایرانی» و میلاد فلاح برای اثر «نقد هرمنوتیک نوین بر فیلم نوح» شایسته دریافت لوح تقدیر جشنواره شدند. هیات داوران در بخش مقاله فانوس جشنواره را به علی عبدی برای اثر «جشنواره عمار و خاکریزهای فتح نشده انقلاب» و علی جعفری برای اثر «آسیب‌شناسی بازنمایی دفاع مقدس در سریال‌های تلویزیونی» اهدا کرد. تجلیل از مسعود ده‌نمکی با حضور عصمت فلکیان که در زمان جنگ برای رزمندگان دفاع مقدس دستکش می‌بافت بعد از جنگ برای سربازان لب مرز دستکش می‌بافت و حالا برای هنرمندان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی دستکش می‌بافد و با حضور خانواده شهید جوادیان و مادر شهید علی خلیلی، شهید امر به معروف برگزار شد. عصمت فلکیان با اشاره به اینکه ۲۴-۲۳ سال است که بافتنی می‌بافد، بیان کرد: ۳ سال تهران بودم و بافتم و یزد هم بافتم. کار دیگری نمی‌توانستم برای رزمندگان بکنم. تا مدتی قبل هم می‌بافتم تا اینکه چشمانم دچار مشکل شد و دکترها گفتند دیگر نمی‌توانم بافتنی ببافم. خداوند به خانواده شهدا صبر بدهد. من غیر از این کاری نمی‌توانستم بکنم. تنها آرزویی که دارم یک بار می‌خواهم بروم دیدار رهبر و ایشان را از نزدیک ببینم. تنها آرزوی من دیدار نزدیک با مقام معظم رهبری است. ان‌شاءالله خداوند رهبرمان را نگه دارد و عمرشان را طولانی کند. وی سپس یکی از لنگه‌های دستکش بافت خودش را به مسعود ده‌نمکی اهدا کرد. لنگه دیگر به مسعود شجاعی‌طباطبایی اهدا شد. ده‌نمکی هم در سخنانی گفت: شما بچه‌های عمار سونامی دهه نود هنر انقلاب هستید. نیامده لرزه به تن کسانی که این عرصه را حیاط خلوت خود می‌دانستند انداختید. ان‌شاءالله این عرصه در دهه‌های آینده در اختیار شما باشد و میدان‌دار آن باشید و ما از شما یاد بگیریم. وی افزود: این چند سال و بویژه این ۱۰ سال سینما به من چیزی آموخت که به شما می‌گویم، بدانید باید بین عزتی که خدا می‌دهد و عزتی که دیگران می‌دهند، یکی را انتخاب کنید.

ادامه از صفحه ۱۲

گفت‌وگوی «وطن‌امروز» با آزاده نامداری، مجری و مستندساز درباره سبک‌زندگی، تلویزیون و حاشیه‌ها

خدا را شکر چادری‌ام

■ **با توجه به کارهایی که در برنامه «خانومی که شما باشی» انجام داده‌اید چقدر خودتان را سرباز جنگ نرم کنونی در تلویزیون می‌دانید؟ ناراحت نیستید که برای اعتلای سبک زندگی ایرانی- اسلامی این همه تلاش کردید و همه تلاش شما در پشت کلی حاشیه دیده نشد؟**

چند بار این حرف را گفتم اما باز هم می‌گویم من وارد تلویزیون شدم و چادر ملی سر کردم، اولین خانمی بودم که چادر ملی سرم کردم همه چادر معمولی سر می‌کردند و بعد از مدتی من چادر ملی سر کردم و مد شد. شما باور نمی‌کنید چه تعداد از مردم به من گفتند ما به هوای چادر شما چادری شدیم، چه خانم شیکی! چقدر خوشحالم که چادر سر می‌کنید. این موضوع مربوط به ۲۱ سالگی من است. تا این سن همه مرا شناخته بودند. وقتی ۲۰ ساله بودم می‌گفتند این خانومی که تازه آمده! بعد که ۲۲ ساله شدم دیگر همه اسمم را هم می‌دانستند، پس سال‌هاست که دیگر نیازی ندارم اسمم را بر سر زبان‌ها بیندازم. این یک دلیل برای آنکه بگویم این من نیستم که اسمم را بر سر زبان‌ها می‌اندازم. بعد از یک مدت، چادر رنگی سرم کردم. باز هم توضیحی به رسانه‌ها دادم که آن موقع هم به وسیله من می‌خواستند تلویزیون را بزنند. اصلا می‌خواهند همیشه تلویزیون را اذیت کنند.

■ **پس آن جریانی که معتقدید مدیریت شده است، برای زدن تلویزیون است؟**

گاهی اوقات بله! گاهی می‌خواهند مدیر تلویزیون را اذیت کنند. یعنی چه که می‌گویند سیمای ضرغامی یا سرافراز خانمی را آورده که چادر قهوه‌ای بر سر کرده است! چرا خانم چادر قهوه‌ای سرش کرده است. من هم صدها بار توضیح دادم که خانم‌ها! آقایان! رسانه پیشرو است. پیشرو! یعنی از شما به من نمی‌رسد از من به شما می‌رسد و من به شما یاد می‌دهم فرهنگی بومی را. من باید این فرهنگ را به شما تزریق کنم. منظور از من، رسانه است. من چادر رنگی را با علم به اینکه در شرع و عرف هیچ مشکلی ندارد (منظور از من، مدیر، تهیه‌کننده، مدیر گروه است) چادر رنگی را سرم کردم که فکر می‌کنم اگر صد نفر با این طرح، علاقه‌مند شدند چادر سر کنند من خیلی خوشحالم و این اتفاق افتاده است. مثلا چادر سرمه‌ای یا قهوه‌ای، نه اینکه چادر صورتی و قرمز باشد. چادری بود که مشکی نیست. به قول شما می‌خواستم سبک زندگی را از دریچه‌های شاداب‌تری تبیین کنم. ببینید اصلا چادر ناخواسته زیبایی می‌آورد، آراستگی می‌آورد. چادر سرمه‌ای هم می‌توانی سرت کنی و آن‌را با یک روسری و کیف و کفش زیبا ست کنی و یک خانم شیک باشی. به هرحال این یک نیاز انسانی بویژه برای زن‌هاست که دوست دارند زیبا به نظر برسند. چه اشکالی دارد که با چادر زیبا باشد؟ مگر حتما باید یک شال سه سانتی بر سر کند تا زیبایی‌اش مشخص شود؟ ما باید این قضیه را تصحیح و ترویج کنیم و بگوییم ببینید چادرهای قشنگی هم هست! حالا یک اعترافی بکنم. چادر رنگی نشد. چرا؟ چون وقتی با ۱۰ نفر آدم حسابی صحبت کردم گفتند شأنیت چادر به مشکی بودنش هست و من این را پذیرفتم. من هم این را به مدیر گروه منتقل کردم و گفتم چادر رنگی سرمان نکنیم چون جامعه نمی‌پذیرد و آمادگی‌اش را ندارد، می‌گویند شأنیت چادر به مشکی بودنش است. دیگران سرشان نکرده بودند، من خودم سرم کردم این قضیه مربوط به ۴-۳ سال قبل است. من تنها این تصمیم را نگرفته بودم ولی کاسه و کوزه‌اش را سر من شکستند. من تهیه‌کننده و مدیر داشتم و مدیرم هم برای خودش مدیری داشت و او هم مدیر داشت. یک مطلبی را به نمایندگی از تلویزیون می‌گویم: تلویزیون سعی دارد سبک زندگی مردم را نه اینکه تغییر بدهد بلکه...

■ **با انتخاب کردن تغییر بدهد.**

بله! حق انتخاب که حتما داریم. ما در یک مملکت آزاد زندگی می‌کنیم.

■ **نه! منظورم این است که گزینه‌هایی را برای انتخاب پیش روی مردم قرار می‌دهد یعنی اجبار نمی‌کند.**

بله! واقعا چه حرف قشنگی زدید. چه ویژگی قشنگی برای تلویزیون است. تلویزیون چه چیزی را برای مردم اجبار کرده است؟ تلویزیون فقط یک ویترین است.

■ **یک ویترین که می‌گوید حالا انتخاب با تو.**

بله! می‌گوید خانم‌ها می‌توانید به این شکل‌ها در بیایید. باور کنید من این حرف را به‌عنوان کسی می‌گویم که مثلا فکر می‌کنید من در طول ۱۰ سال چند نفر را دیده‌ام. میلیون‌ها آدم. آنها می‌گویند خانم نامداری ما از وقتی شما را دیدیم چادری شدیم. تو را به خدا فکر نکنید می‌خواهم از خودم تعریف کنم. اصلا منظورم این نیست. مثلا مدیر یک مدرسه می‌گوید من خیلی از تو ممنونم صد بار دیگر هم پشت تریبون مدرسه حرف می‌زدم یک عده‌ای چادری نمی‌شدند. اما الان چادری شده‌اند چون احساس کردند چادر قشنگ است. مدل شیک و زیبایی دارد. مثلا دوست داشته وقتی بیرون می‌رود کیفش مشخص باشد. هرچه پدرش می‌گفته باید چادر سرت کنی، لج می‌کرده و قبول نمی‌کرده اما حالا دیده با این چادرهای ملی، بالاخره چادری را پیدا می‌کند که می‌تواند کیفش را نشان بدهد. پس تلویزیون این خدمت را در حق مردم می‌کند که به قول شما به آنها آپشن می‌دهیم، می‌گوییم هرجور دوست داری اما این و این و این هم وجود دارد. انواع تیپ‌های مردانه هم وجود دارد ولی با بی‌انصافی مواجه می‌شویم. درباره خودم حداقل می‌توانم بگویم با بی‌انصافی مواجه شدم.

■ **فکر می‌کنید اگر یک مجری تلویزیونی چادری نبودید باز هم این همه حاشیه داشتید؟**

نه! ولی به یک دلیل بزرگی اشکال ندارد که من یک مجری تلویزیونی چادری باشم و حاشیه هم داشته باشم. به‌خاطر همان دلیل که من با روزنامه صبا مصاحبه کردم. می‌توانستم مصاحبه نکنم یا می‌توانستم دروغ بگویم. کار ساده‌ای بود. می‌توانستم بگویم بله خیلی ممنون و اذیت نشوم اما از این استفاده چشم پوشیدم. گفتم راستگویی مهم‌تر از این است که از یک امتیازی استفاده کنیم. به همان دلیل من می‌گویم به‌عنوان یک مجری تلویزیونی چادری حاضر شدم چادر ملی و چادر رنگی بپوشم و همه سبک‌ها را امتحان کنم و سختی‌ها را به جان بخرم و همیشه در حال توضیح دادن باشم که بتوانم همان حال خوبی که حرفش را زدم داشته باشم. همان که گفتم واقعا غایت انسان، مجری شدن نیست. غایت انسان این است که ۱۰ نفر با عملکرد تو بتوانند آدم خوبی بشوند. این چیزی است که من برای آن زندگی می‌کنم. هرکاری کرده‌ام برای همین بوده. واقعا نمی‌خواهم ادعای بزرگی کنم اما واقعا در زندگی هدفم جز این نبوده است.

■ **شما گفتید آدم چادری باید ۱۰ ویژگی داشته باشد، چادر یکی از آنهاست. برای آن ۹ ویژگی دیگر مستند ساخته‌اید؟**

مستند برای این ساخته‌ام که از یک جایی به بعد دیگر حرف زدن جواب نمی‌دهد و باید روش‌های اثرگذار بصری را امتحان کرد. ۳ سالی است به این نتیجه رسیده‌ام که در ۷ سال گذشته حرف‌هایم را نزدم حالا وقت آن است که حرف‌هایم را با فرم نشان بدهم. مثلا در تلویزیون می‌گویم داشتن فرزندان زیاد اتفاق مبارکی است. بعد از مدتی می‌گویم به اندازه کافی این حرف را گفته‌ام حالا بهتر است آن را نشان بدهم. می‌روم به منزل خانواده‌ای که ۱۰ فرزند دارند و تمام فرزندان و والدین حال و اوضاع خوبی دارند، فکر نکنید همین‌طوری برای خودشان بچه‌دار شدند. اینها ایدئولوژی برای این کار دارند یعنی برای داشتن فرزندان زیاد فکر کرده و توضیح می‌دهد که به هزاران دلیل دوست دارم فرزندان زیادی داشته باشم. خانمی که فرزندان بسیاری دارد مریض نیست، حالش کاملا خوب است و در متن اثر توضیح می‌دهم که با این همه بچه به همه کارهایش می‌رسد. من رفتم از این حال خوب تصویر گرفتم و این تصویر را پخش کردم که در جشنواره عمار برنده شد. مستند صادق و راستگوست، الان ۷ مستند دیگر دارم که هنوز پخش نشده است. درباره خانواده‌های شهدا. در همین مجموعه «خانومی که شما باشی»، درباره مادران، خواهران، همسران و دختران شهدا. گاهی اوقات که ۵-۴ روز با این افراد زندگی می‌کنی دلت می‌گیرد، با خودت می‌گویی این خانم پدرش را برای این مملکت از دست داده و طلبکار هم نیست. چقدر آدم چیز یاد می‌گیرد. پس هدف غایی باز هم این نیست. یکی از افرادی که حدود یک ماه قبل به منزلشان رفتم از همین خانواده‌های شهدا، خانمی ۴ماهه باردار بوده که شوهرش شهید می‌شود. شوهرش افسر نیروی انتظامی بوده و در یک درگیری شهید می‌شود. یک خانم باردار که بدون شوهر، کودکش را به دنیا می‌آورد و آن را بزرگ می‌کند. این زن در این سیر زندگی، خیلی سختی کشیده است. اصلا شما به‌عنوان یک مرد نمی‌توانید احساس او را درک کنید. من به‌عنوان یک زن می‌توانم این احساس را درک کنم. این خانم وقتی داشت درد زایمان را تحمل می‌کرد که کودکش را به دنیا بیاورد، شوهرش مرده بود و به تنهایی فرزندش را بزرگ کرده است. مستند این زن زیباست یا حرف زدن درباره او، نیم ساعت این مستند را ببینید. به نظرم به این دلیل در سال‌های اخیر مستندسازی پررنگ شده که زبان صادقانه‌تری دارد، گویاتر و راستگوتر است. آنقدر با قصه‌های تلخی مواجه شدم؛ مثلا خانمی که شوهرش افسر نیروی انتظامی در اهواز بوده است یک روز با ۲۷ گلوله او را شهید می‌کنند. قاتلین هم یک مرد و پسرخاله‌اش بوده‌اند. از گواهینامه آنها که در جیب شهید مانده بود می‌فهمند قاتلین چه کسانی بوده‌اند. این افسر نیروی انتظامی آنها را جریمه کرده بود و قاتلان او را به قتل رساندند. کمترین کاری که می‌توانیم برای این خانواده شهید بکنیم این است که همسرش برای دادگاه شوهر خود به اهواز نرود. ولی ۷ سال است که او برای حضور در دادگاه به اهواز می‌رود. اصلا کسی نخواسته حداقل پرونده او را از اهواز به تهران منتقل کند به هرحال یک کرامت و انسانیتی برای خانواده شهید قائل شوید. باید هر نوبت برود اهواز تا از حق و خون شوهرش دفاع کند. دردت می‌گیرد، حالت بد می‌شود. اصلا دیگر به آن چیزهایی که خانم توانگر فکر می‌کند تو فکر نمی‌کنی. بلکه به این فکر می‌کنی که خدایا چگونه می‌توانم به این زن کمک کنم؟ با چه کسی صحبت کنم؟ چقدر می‌توانم مؤثر باشم. این زن شوهرش را به‌خاطر شما از دست داد و ۲ فرزندش را به تنهایی بزرگ می‌کند حداقل می‌توانید پرونده‌اش را بیاورید تهران! حواسمان پرت است، آنقدر درگیر این حواشی‌ها و پاپاراتزی‌بازی‌ها هستیم که حواسمان از اصل موضوع پرت می‌شود.

■ **از متن غافل می‌شویم.**

هدف غایی جوانان ما مشهور شدن است؟ خدایا! چه کسی کجا اشتباه کرده که این اتفاق برای جوانان ما افتاده است؟ یک نفر در موقعیت حساسی خطا کرده که این اتفاق در فرهنگ ما افتاده است. نمی‌گویم حتما اینطور است ولی چرا باید هدف غایی ما این باشد؟ مستند ساختن درباره خانم‌ها برای من مثل یک هدیه از طرف خداوند است، حتی اگر پخش نشوند.

■ **ان‌شاءالله پخش می‌شود. حرف ناگفته‌ای باقی مانده است؟**

چیز خاصی به ذهنم نمی‌رسد فقط اینکه قصدم از این مصاحبه این نبود که ادعای چیزی را داشته باشم و از ادعا داشتن بسیار بیزارم، هر کسی که این مصاحبه را می‌خواند می‌گویم هرکس که ادعای هر چیزی را داشت، نیست! ادعا کردن کار خوبی نیست. هرکس ادعایی نکرد ولی در عمل او را دیدید آدم خوبی است.

■ **در فضای مجازی دنبال سوژه هستید؟**

برنامه‌سازها عمدتا در چاله بی‌سوژگی می‌افتند (این موضوع را مدیران تلویزیون بیشتر درک می‌کنند). مثلا خانه من میدان ونک باشد و فقط با خانم‌های اطراف خودم ارتباط داشته باشم، صرفا روزمرگی چنین افرادی را درک می‌کنم اما اگر کمی با برنامه‌سازهای درست و حسابی برخورد کنید می‌بینید باید به شهرستان‌ها، روستاها، پایین‌شهر، غرب و شرق کشور هم فکر کنید. نمی‌شود که فقط برای خودتان و اطرافیانتان برنامه بسازید. من چگونه می‌توانم همه جا باشم؟ من برنامه‌ساز نمی‌توانم. زبل‌خان نیستم! دیروز یک نفر از لندن برای من مطلبی فرستاد، از همدان موضوعاتی را برای من می‌نویسند. از زابل یا شهرستان‌های دور برایم می‌نویسند، یعنی از راه‌های دور درباره عکس‌هایم نظر می‌دهند. مثلا عکسی گذاشته‌ام که من در جشنواره فیلم همدان هستم. زیاد لایک خوردم. مثلا ۱۰ هزارتا. سابقه ۱۱ هزار تا هم داشته‌ام. یعنی ۱۱ هزار نفر درباره این عکس حرف می‌زنند. دیگه من کشف می‌کنم که مردم نسبت به یک تار مو حساسند. قبل از ورودم به اینستاگرام این را نمی‌دانستم. مثلا از اینستاگرام فهمیدم مردم هنوز نسبت به یک تار مو حساسند. هنوز می‌گویند آفرین به چادرت. از این ۱۱ هزار تا ۴ هزار نفر گفته‌اند آفرین به چادرت! پس مردم چادر را دوست دارند. این یک وسیله‌ای است برای نظرسنجی. واقعا به‌عنوان یک برنامه‌ساز به آن نگاه می‌کنم نه به‌عنوان زنگ تفریح. تو که می‌خواهی درباره زن برنامه بسازی باید بدانی زنان جامعه ما چه چیزهایی دوست دارند. مردم جامعه چادر را دوست دارند. مردم ما عقاید دینی دارند. هنوز محرم نشده بود اول محرم بود که دیدم تمام کسانی که در اینستاگرام می‌دیدم بلاستثنا عکس نمایه‌شان را متناسب با محرم تغییر داده‌اند، مردم محرم را دوست دارند. من عکس مشهد در اینستاگرام می‌گذارم و ۱۱ هزار نفر لایک می‌کنند و از آرزوهایشان می‌نویسند، پس مردم مشهد را دوست دارند، من به‌عنوان برنامه‌ساز باید علائق مردم را بشناسم. آن کسی که می‌گوید مردم دیگر به این مسائل علاقه‌مند نیستند اشتباه فکر کرده است.

تازه‌ها

«ابله» توزیع شد

اولین قسمت مجموعه «ابله» به کارگردانی کمال تبریزی که قرار بود از ۱۷ آذرماه در شبکه نمایش خانگی توزیع شود از چهارشنبه ۱۷ دی‌ماه با قیمت ۳ هزار تومان وارد شبکه نمایش خانگی می‌شود. به گزارش تسنیم، رئیس هیات مدیره شرکت تصویر گستر پاسارگاد با اعلام این خبر گفت: همزمان با شروع عرضه سریال «ابله» شبکه همراهان پاسارگاد نیز آغاز به کار می‌کند و خریداران این مجموعه می‌توانند بدون پرداخت هزینه اضافی از برنامه‌های این شبکه نیز استفاده کنند. علی اسدزاده با بیان اینکه چنین امکانی برای اولین بار در شبکه نمایش خانگی فراهم شده است، ادامه داد: در دی‌وی‌دی سریال «ابله» بخش‌هایی چون ابله‌تر، نماهنگ، انیمیشن و هنر و تجربه گنجانده شده است که یک بسته کامل برای خانواده محسوب می‌شود. وی در توضیحات بیشتر این بخش‌ها گفت: «ابله‌تر» عنوان صندلی زردی است که در هر قسمت یکی از عوامل مجموعه روی آن می‌نشیند و به سوالات خاصی پاسخ می‌دهد، بخش نماهنگ هم اولین جایگاه عرضه رسمی کلیپ خوانندگان مطرح کشورمان محسوب می‌شود که در هر قسمت شاهد ۳ نماهنگ متفاوت خواهیم بود.

■■■

«چند مترمکعب عشق» با ۱۰ سالن سینما به فروش ۱۰۰ میلیونی رسید

غلامرضا فرجی، مدیر پخش حوزه هنری درباره آمار فروش «چند مترمکعب عشق» ساخته جمشید محمودی گفت: این فیلم در ۱۳ روز اکران عمومی و با در اختیار داشتن ۱۰ سالن سینمایی در شهر تهران، فروش ۹۷ میلیون و ۷۰۰ هزارتومانی را تجربه کرده است. غلامرضا فرجی، مدیر پخش و بازاریابی سازمان سینمایی سوره در گفت‌وگو با تسنیم، درباره تازه‌ترین آمار فروش فیلم «چند مترمکعب عشق» ساخته جمشید محمودی گفت: «چند مترمکعب عشق» در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه دهم و یازدهم دی ماه، به ترتیب با ۴ میلیون و ۵۰۰هزار تومان و ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان فروش خوبی داشته است. وی ادامه داد: این فیلم در ۱۳ روز اکران عمومی و با در اختیار داشتن ۱۰ سالن سینمایی در شهر تهران، فروش ۹۷ میلیون و ۷۰۰ هزارتومانی را تجربه کرده است. فرجی درباره آخرین آمار فروش «خانه‌ای کنار ابرها» به کارگردانی سیدجلال دهقانی اشکذری گفت: «خانه‌ای کنار ابرها» همچنین در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه به ترتیب یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان و ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان فروخته است. این فیلم در مجموع ۹ روز اکران عمومی با در اختیار داشتن سالن سینمای شهرتهران، به فروش ۲۱ میلیون تومانی رسید. مدیر پخش و بازاریابی سازمان سینمایی سوره درباره اکران این دو فیلم در سینماهای شهرستان‌ها گفت: «چند مترمکعب عشق» در سینماهای شهرهای فارس و خوزستان اکران شده است و «خانه‌ای کنار ابرها» از این هفته اکرانش را در شهرستان‌ها شروع می‌کند. اکران «خانه‌ای کنار ابرها» از چهارشنبه سوم دی ماه در گروه سینما استقلال و به جای «میهمان داریم» شروع شد. این فیلم به کارگردانی سیدجلال دهقانی اشکذری و تهیه‌کنندگی روح‌الله برادری ساخته شده است. این فیلم در سی و دومین جشنواره فیلم فجر توانسته بود دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه بخش نگاه نو (فیلمسازان اول) را دریافت کند. این فیلم درباره آشنایی ۲ جوان با مادر شهیدی است که در روند زندگی این دو تاثیرگذار خواهد بود. هدایت هاشمی، حامید کمیلی، آفرین عبیسی و نگار عابدی بازیگران اصلی «خانه‌ای کنار ابرها» هستند. اکران فیلم سینمایی «چند مترمکعب عشق» اولین ساخته بلند سینمایی جمشید محمودی به تهیه‌کنندگی نوید محمودی از ۲۶ آذر ماه در سینماهای تهران شروع شده است. در این فیلم که در بخش سودای سیمرغ و نوعی نگاه جشنواره فیلم فجر سال گذشته حضور داشت، ساعد سهیلی، حسیبا ابراهیمی، نادر فلاح، علیرضا استادی، مسعود میرطاهری، افشین سلیمان‌پور، امیر غفور صدخسروی و کاظم علیزاده به ایفای نقش پرداخته‌اند.

■■■

خانواده «شمعدونی» زیبا را راهی خانه بخت کردند

پایان تصویربرداری ۵۰ قسمت از سریال «شمعدونی» به کارگردانی سروش صحت با خانه بخت رفتن زیبا همراه شد. در حال حاضر تدوین آن همزمان در حال انجام است. مجموعه تلویزیونی «شمعدونی» به تهیه‌کنندگی محسن چگینی و نویسندگی سروش صحت و ایمان صفایی در گروه فیلم و سریال شبکه سه سیما تولید شده است. این سریال دارای ۵۰ قسمت ۴۰ دقیقه‌ای است که بعد از پایان یافتن سریال «همه چیز آنجاست» پخش خواهد شد.